نویسنده: م.ک .بهادراکمار «M.K.Bhadrakumar».
منبع وتاریخ نشر: اندیا پانجیلا «2026-11-06».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جی دی ونس در سمت درست تاریخ ایستاده است – و ترامپ را در مورد ایران زیر نظر دارد

JD Vance is on the right side of history – and has Trump's ears on Iran



دیدار ولادیمیر پوتین با محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، کرملین، مسکو، ۵ نوامبر

****

اظهارنظرمشهورجی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهورایالات متحده، که تنها ساعاتی پس از اعلام نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای مطرح شد — مبنی بر اینکه «دلیل شکست ما، جنگ

با ایران بود»ممکن است تلاشی سنجیده برای فاصله‌گرفتن ازدونالد ترامپ، رئیس‌جمهور، به نظر برسد. او در واقع به ترامپ کنا یه زد و گفت: «اگر می خواهید استدلال کنید که [جنگ با ایران] ارزشش را داشته، و اینکه از دست دادن سنا برای ۶ سال آینده ارزشش را داشته، پس بفرمایید. استدلال کنید که این هزینه‌ای ارزشمند بوده است. چه موافق باشید چه مخالف، دست‌کم این موضع‌گیری صادقانه است.»

رسانه‌های غربی بلافاصله این گونه تفسیر کردند که ونس با نگاهی به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۸ چنین سخنا نی گفته است. اما در اینجا تناقضی وجود دارد؛ چرا که اگر او نداند برای ورود به کاخ سفید ابتدا باید نامزدی حزب جمهوری‌خواه را به دست آورد، پس سیاستمدار بسیار نا شی‌ای ا ست؛ و رنجا ندن ترامپ، هوشمندانه‌ترین راه برای متحد کردن جریان «ماگا» (MAGA) نیست . اگر چه برندِ ترامپ نتوا نست نظر رأی‌دهندگان راجلب کند،اما تسلط اوبر حزب جمهوری‌خواه همچنان بسیار قابل‌توجه است.

علاوه بر این، ونس پیش از انتشار این اظهارنظر، متن آن را به ترامپ نشان داده بود.

از دیدگاه ترامپ نیز، سخنان ونس حاوی نکته‌ای کاملاً جدید و تکان‌دهنده نیست. ونس مدت‌هاست که از منتقدان صریح مداخله‌گرایی ایالات متحده در امور خارجی بوده است. نکته متناقض اینجاست که همین ویژگی، یکی از خصوصیا تی بود که ترامپ در این سناتور جوانِ اهل اوهایو دید و باعث شد او را به عنوان معا ون خود در رقابت‌های انتخاباتی برگزیند.

ونس نسبت به جنگ با ایران بدبین بود و تنها چهره در حلقه نزدیکان ترامپ به شمار می‌رفت که از حمایت از تلاش بنیامین نتانیاهو برای انتخا ب مجدد به عنوان نخست‌وزیر خودداری کرد. او با نگرانی عمیقی شاهد فشارهای سنگینی بود که لابی اسرائیل در ماه فوریه بر ترامپ وارد می‌کرد تا او را به آغاز جنگ وادار کند. در ادامه چه خواهد شد؟ می‌توان از سه زاویه به این مسئله نگریست: آیا ترامپ، ونس را از تیم خود کنار خواهد گذاشت؟ آیا ونس از حرف خود عقب نشینی خواهد کرد ؟ یا اینکه ترامپ تحت تأ ثیر استدلال‌های ونس قرار خواهد گرفت؟

پاسخ به دو پرسش نخست، یک «نه» قاطع است . اما پرسش سوم حائز اهمیت است. در حالت ایده‌آل، باید منتظر نشست سه‌جانبه آمریکا، روسیه و چین ماند که قرار است ده روز دیگر در شهر شنژن چین برگزار شود؛ جایی که انتظار می رود ترامپ دیدگاه خود را درباره «نظم نوین جهانی» تشریح کند. با این حال، پرسش بزرگ این ا ست که ترامپ در قبال مسئله ایران چه رویکردی اتخاذ خواهد کرد. بر اساس اطلاعات درز کرده از یک گفتگوی تلفنی پرتنش با نتانیاهو در آخر هفته، ترامپ بار دیگر بر تمایل خود برای مذاکره جهت دستیابی به توافقی با ایران تأکید کرد.

موضع اعلام‌شده‌ی ترامپ، آن‌طور که دیروز به رسانه‌ها گفت، چنین است: «ما هفت ماه است که در [مورد] ایران حضور داریم و بر هر آنچه می‌خواستیم کنترل داشته باشیم، مسلط شده‌ایم. اکنون باید تصمیم بگیریم: آیا می‌خواهیم پیش‌تر برویم و [وضعیت را] تثبیت کنیم؟ تثبیت کردن به این معناست که [آن اتفاق] دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. به گمانم بازسازی کشور برای آن‌ها ۲۵ سال زمان ببرد. ترجیح می‌دهم اگر ممکن است بقیه کشور را ویران نکنم، اما شاید ناچار شوم. به‌زودی خواهید دانست.»

احتمالاً ترامپ — که در ذات خود یک واقع‌گرا و عمل‌گرا ست — به تدریج درمی‌یابد که نتانیاهو از او همچون پادری‌ای برای حفظ قدرت خود استفاده می‌کند. اما این ماجرا چه سودی برای خودِ ترامپ دارد؟ تردیدی نیست که جنگ کمکی به دستیابی به یک توافق با ایران نخواهد کرد. برعکس، جنگ زخمی عفونی ایجاد خواهد کرد که ممکن است به قانقاریا (فساد بافتی) منجر شود و چه‌بسا در کتاب‌های تاریخ، دوران ریاست‌جمهوری او را با همین ویژگی تعریف کند؛ درست همان‌طور که برای لیندون جانسون — چهره‌ای حقیقتاً تراژیک — رخ داد.

علاوه بر این، کنگره‌ی جدید که تحت تسلط دموکرات‌هاست، بی‌تردید به باری سنگین و دردسرساز (همچون طوقی بر گردن) برای او بدل خواهد شد. دموکرات‌ها دریافته‌اند که موضوع جنگ با ایران، ابزاری برای جلب آراست. در دوم نوامبر، با پیش‌بینی افزایش تنش‌ها در خلیج فارس، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه قویاً به واشنگتن هشدار داد که گزینه جنگ را کنار بگذارد و گفت: « تجربه تلخ ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که ماجراجویی‌های نظامی — که مرگ و ویرانی را در ایران می‌پراکنند — ناتوان‌تر از آن هستند که اراده ملت ایران را برای پاسداری از حاکمیت و استقلال کشورشان درهم بشکنند. کسانی که امروز تهدید به حملات جدید می‌کنند، بهتر است در این واقعیت تأمل کنند.»

در چنین فضایی، بسیار حائز اهمیت است که در سطوح عالی رهبری ایران، هیچ‌گونه تلاشی برای توسل به جدل‌های لفظی جهت تحقیر ترامپ یا کوبیدن بر طبل جنگ در این مقطع حساس صورت نگرفته است. روزنامه «چاینا دیلی» (China Daily) که با هوشیاری کامل تحولات را رصد می‌کند، متوجه این موضوع شده است. این روزنامه در گزارشی که روز پنج‌شنبه با عنوان «تهران می‌گوید شعله‌ور شدن دوباره درگیری به نفع هیچ‌کس نخواهد بود» منتشر شد، به‌دقت چشم‌انداز پیش رو را ارزیابی کرد: «در میان نگرانی‌ها از حملات جدید ایالات متحده به ایران پس از انتخابات میان دوره‌ای، تهران هشدار داده است که از سرگیری یک درگیری تمام‌عیار به نفع هیچ طرفی نخواهد بود و تأکید کرده که مسئولیت جلوگیری از چنین سناریویی بر عهده واشنگتن است...»

کافی است اشاره کنیم که گزارش امروز روزنامه «نیویورک تایمز» نیز به همان نتیجه‌گیری «چاینا دیلی» رسیده است: به گفته پنج مقام مطلع از مذاکرات، ایران در حال بررسی مجموعه‌ای از پیشنهادهای ارائه‌شده توسط میانجی‌هاست که می‌تواند آینده برنامه

هسته‌ای این کشور را رقم بزند؛ امری که می‌تواند نشان‌دهنده پیشرفتی احتمالی در تلاش‌های دیپلماتیکِ متوقف‌شده برای پایان دادن به مناقشه با ایالات متحده باشد.

این مقامات اظهار داشتند که تمایل ایران به ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای — آن هم پس از هفته‌ها پافشاری بر مواضع قبلی و عدم انعطاف — نشان می‌دهد که تلاش‌های میانجی‌گرانه اخیر، به‌ویژه به رهبری قطر برای جلوگیری از بازگشت به یک جنگ تمام‌عیار، تا حدی موفق بوده است. آن‌ها از مفادِ در حال بررسی به‌عنوان «پیشنهادهای مشخص» یاد کردند، اما جزئیات بیشتری در این باره ارائه ندادند. خلاصه کلام اینکه: ونس در حلقه نزدیکان ترامپ، در خط مقدم تصمیم‌گیری‌ها قرار دارد. نکته جالب‌توجه اینکه، گزارش دیگری در روزنامه «تایمز» که هفته گذشته منتشر شد، بر نقش کلیدی ونس در تعدیل «جو» حاکم در تهران تأکید داشت. او — البته به دستور ترامپ — نامه‌ای خطاب به محسن رضایی، چهره قدرتمند و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، ارسال کرده و در آن پیشنهاد برگزاری مذاکرات مستقیم صلح را مطرح کرده بود؛ مذاکراتی که برنامه هسته‌ای ایران را نیز در بر می‌گرفت.

محسن رضایی، از فرماندهان باسابقه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به مدت ۱۶ سال (از سپتامبر ۱۹۸۱ تا سپتامبر ۱۹۹۷) فرمانده کل این نهاد بود، در واکنش به این نامه اظهار داشت که اقدام ونس نشان می‌دهد ایالات متحده لحن خود را در قبال ایران تغییر داده است. همین امر سرآغاز تحولات بعدی شد.

عصر دیروز، رضایی در سفری اعلام نشده و کاملاً محرمانه وارد مسکو شد و در کاخ کرملین مورد استقبال ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، قرار گرفت. بیانیه رسمی کرملین جزئیاتی از این دیدار ارائه نداد.

با این حال، در تصویری که از این دیدار منتشر شد ، پوتین در میان دو نفر دیده می‌شود: در سمت راست او، یوری اوشاکوف، مشاور سیاست خارجی، و در سمت چپ، ژنرال ایگور کوستیوکوف، رئیس قدرتمند «جی‌آر‌یو» (سازمان اطلاعات نظامی روسیه) قرار دارند؛ کسی که مسئولیت هدایت سیستم فوق‌حساس و پیشرفته اطلاعات ماهواره‌ای روسیه را بر عهده دارد.

---------- **با احترام** **«2026-11-08»**